رویش روان شناسی، سال۱۰، شماره۱۲، شماره پیاپی ۶۹، اسفند ۱۴۰۰
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),10(12), 2022

بررسی نقش میانجی مقابله زوجی و تفاهم و هماهنگی فکری در رابطه بین جاذبه‌های زناشویی و کیفیت زناشویی

Investigating the mediating role of Dyadic Coping and Understanding and Intellectual Coordination in the relationship between Marital Attractions and Marital Quality

سمیه عابدینی چمگردانی
دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، گروه مشاوره، دانشکدهٔ علوم انسانی، واحدخمینی‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی‌شهر، اصفهان، ایران.
فرزانه نیک نژادی (نویسنده مسئول)
استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکدهٔ علوم انسانی، واحد خمینی‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی‌شهر، اصفهان، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی مقابله زوجی و تفاهم و هماهنگی فکری در رابطه بین جاذبه‌های زناشویی و کیفیت زناشویی انجام شد. روش پژوهش، همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان متاهل مشاور فعال در مراکز مشاوره شهر اصفهان در سال ۱۴۰۰ بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند ۲۰۷ نفر بعنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل، مقیاس تجدید نظر شده کیفیت زناشویی RDAS (باسبی و همکاران، ۱۹۹۵)، پرسشنامه جاذبه‌های زناشویی MAQ (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۹)، پرسشنامه مقابله زوجی DCI (بودنمن، ۲۰۰۰) و پرسشنامه تفاهم و هماهنگی فکری زوجین ایرانی ICIMC (جاودان، ۲۰۱۴) بود. برای تحلیل داده‌ها از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری و برای بررسی اثرات غیر مستقیم از آزمون بوت استرپ استفاده گردید. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که مدل مفروض میانجی‌گری مقابله زوجی و تفاهم و هماهنگی فکری در رابطه‌ی بین جاذبه‌های زناشویی و کیفیت زناشویی با داده‌ها برازش مطلوبی داشت. علاوه براین نتایج نشان داد که در مدل مفروض تمام وزن‌های رگرسیونی به لحاظ آماری معنادار بودند (p<۰/۰۵). و همچنین جاذبه‌های زناشویی، مقابله زوجی و تفاهم و هماهنگی فکری می‌توانند ۶۴ درصد از واریانس کیفیت زناشویی را تبیین کنند. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در رابطه بین جاذبه‌های زناشویی و کیفیت زناشویی، متغیرهای مقابله زوجی و تفاهم و هماهنگی فکری، نقش میانجی ایفا می‌کنند. از یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان در جهت بهبود کیفیت زناشویی در مراکز مشاوره ازدواج و خانواده استفاده کرد.

واژه‌های کلیدی: *کیفیت زناشویی، جاذبه‌های زناشویی، مقابله زوجی، تفاهم و هماهنگی فکری.*

Somayeh Abedini Chamgordani
MA Student in Family Counseling, Department Of Counseling, Faculty Of Humanities, Khomeinishahr Branch, Islamic Azad University, Khomeinishahr, Isfahan, Iran.
Farzaneh Niknejadi *
Assistant Professor, Department Of Psychology, Faculty Of Humanities, Khomeinishahr Branch, Islamic Azad University, Khomeinishahr, Isfahan, Iran.
Niknejadi@iaukhsh.ac.ir

Abstract

The aim of this research was to investigate the mediating role of dyadic coping and understanding and intellectual coordination in the relationship between marital attractions and marital quality. The research method is correlational modeling of structural equations. The statistical population included all married women active counselors in counseling centers of Isfahan in 1400 207 people were selected as a statistical sample using purposive sampling. The tools of this study included the Revised Dyadic Adjustment Scale of Busby et al. (1995), the Marital Attractions Questionnaire of Salimi et al. (2020), the Dyadic Coping Inventory of Bodenmann (2000), and the Iranian Couples Intellectual Mutuality and Coordination of Javdan (2014). Structural equation modeling was used to analyze the data and a bootstrap test was used to investigate the indirect effects. The results of data analysis showed that the hypothetical model of mediation of dyadic coping and understanding and intellectual coordination in the relationship between marital attractions and marital quality had a good fit with the data. In addition, the results showed that in the hypothesized model, all regression weights were statistically significant ($p < 0.05$). Also, marital attractions, dyadic coping, and understanding and intellectual coordination can explain 64% of the variance in marital quality. The results of the present study show that in the relationship between marital attractions and marital quality, the variables of dyadic coping and understanding, and intellectual coordination play a mediating role. The findings of the present study can be used to improve the marital quality in marriage and family counseling centers.

Keywords: *Marital Quality, Marital Attractions, Dyadic Coping, Understanding and Intellectual Coordination*

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت : شهریور ۱۴۰۰** | **پذیرش: آبان ۱۴۰۰** | **ویرایش نهایی: اسفند ۱۴۰۰**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-01-31]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.12.2.4]

مقدمه

جنبه مهمی از زندگی خانوادگی کیفیت زناشویی می‌باشد، که تمایل به انعکاس یک ازدواج شاد، پایدار، با ثبات و رضایت بخش دارد، درواقع کیفیت زناشویی است که بهزیستی را شکل می‌دهد (آلندورف و گیمیر[1]، ۲۰۱۳). مطالعات حاکی از آن است که افراد متاهل از سلامت جسمی و روانی بهتری نسبت به افراد مجرد برخوردارند (لارنس و راجرز و وادزورث[2]، ۲۰۱۹، گلدفرب و ترادل[3]، ۲۰۱۹). این در صورتی است که زندگی زناشویی آنها کیفیت بالایی داشته باشد، درحالی که کیفیت پایین ازدواج می‌تواند با نتایج مشکل‌سازی از جمله افسردگی همراه باشد (گلدفرب و ترادل، ۲۰۱۹). اهمیت کیفیت زناشویی زمانی مشخص می‌شود که از بین تمام موقعیتهای پرتنش و مسئله سازی که افراد با آن روبرو می‌شوند طلاق و مشکلات زناشویی به ترتیب دارای رتبه دوم و سوم هستند (الیری، هیمن و جانگسما[4]، ۲۰۱۰؛ به نقل از موسوی، ۱۳۹۶). اگرچه جامعه مشاوران نیز از این آسیب‌ها در امان نیستند. مشکلات زناشویی و طلاق نیز در جامعه مشاوران و روان‌شناسان گزارش شده است، در واقع‌الگوی کاری مشاوران به گونه‌ای است که می‌تواند بر زندگی شخصی و روابط زناشویی آنان تاثیر منفی بگذارد از جمله عدم دسترسی عاطفی به اعضای خانواده و وقت ناکافی (استیورز[5]، ۲۰۱۳). همچنین ممکن است همسران آنان انتظارات بین فردی بیشتری، باتوجه به حرفه آنان، از آنها داشته باشند. تئوری سرریز[6] با تمرکز بر رابطه متقابل بین کار و زندگی خانوادگی به بهترین وجه توضیح می‌دهد که تجارب در کار می‌توانند بر روی فرد، رفتارها، احساسات و شناخت‌ها در زندگی شخصی او و بالعکس، تأثیر بگذارند (میلر، جکسون و لندرز[7]، ۲۰۲۰).

یکی از عواملی که می‌تواند کیفیت زناشویی را پیش‌بینی نماید جاذبه‌های زناشویی است. برداشت افراد از روابط مشترک آنها تا حد زیادی تحت تأثیر نیازهایشان توسط تعامل با افراد دیگر تأمین می‌شود (وانگ، کیم، استوکس[8]، ۲۰۲۰). رازبولت[9] (۱۹۸۰) بیان می‌دارد که شرکا در طی تعاملات خود در زندگی زناشویی انواع مختلفی از منابع مادی و غیرمادی را مبادله می‌کنند و این تبادل در سطح خاصی از جذابیت متقابل است که عاملی برای ثبات و پایداری زناشویی می‌باشند (نتیمو، اودیمگوو[10]، ۲۰۲۰). جاذبه‌های زناشویی به عنوان پاداش‌هایی برای ماندن زوجین در زندگی زناشویی هستند که در مقابل آنها هزینه‌ها قرار دارند (لوینگر[11]، ۱۹۷۶؛ به نقل از سلیمی، ۱۳۹۹). در رویکرد مبادله اجتماعی نسبت ذهنی هزینه و پاداش که در ازدواج اعمال می‌شود، اغلب به عنوان کیفیت زناشویی عنوان می‌شود، که عامل اصلی توضیح‌دهنده بی‌ثباتی زناشویی است و تعارضات زناشویی و همچنین طلاق را در پی دارد (واگنر[12]، ۲۰۲۰). این تنش‌ها و تعارضات در طی تعاملات زوجی منجر به استرس زناشویی می‌گردد از آنجائیکه انتظارات روان درمانگران از ازدواج خودشان، بیشتر است، احتمال دارد که در ازدواج خود بیشتر دچار استرس شوند (میلر و همکاران، ۲۰۲۰).

یکی از شیوه‌های مقابله با استرس که در رابطه با کیفیت رابطه زناشویی مورد توجه پژوهشگران قرارگرفته است مقابله زوجی می‌باشد. فرآیند مقابله زوجی به گونه‌ای است که طی آن زوجین به صورت مشترک به استرس پاسخ می‌دهند و از یکدیگر در مقابل شرایط استرس‌زا حمایت می‌کنند این عملکرد زوجین در مقابل شرایط استرس‌زا به صورت مثبت برکیفیت زناشویی تاثیر می‌گذارد (فالکونیر، کیم، کانوی[13]، ۲۰۱۸). مقابله زوجی، شیوه تعامل زوج‌ها با استرس را در ارزیابی، به اشتراک‌گذاری نیازها، برنامه‌ریزی با هم برای مقابله با عوامل استرس‌زا و درگیر شدن در مقابله حمایتی یا مشترک مفهوم‌سازی می‌کند. پاسخ مشترک یک زن و شوهر به یک عامل استرس‌زا می‌تواند از روابط در

1.Allendorf, & Ghimire
2.Lawrence, Rogers, Zajacova & Wadsworth
3.Goldfarb Trudel
4.Oleary, Heyman & Jongsma
5.Stivers
6.Spillover
7 . Miller , Jackson & Landers
8.Wang, Kim, Stokes
9.Rusbult
10.Ntoimo, Odimegwu
11.Levinger
12.Wagner
13.Falconier, Kim & Conway

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-01-31]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.12.2.4]

برابر فرسودگی روزانه محافظت کند، صمیمیت شرکا را عمق ببخشد و روابط زوجین را بیشتر تقویت کند. یکی از ارکان مهم مقابله‌زوجی درک یکدیگر و برداشت آنان از شرایط استرس‌زا می‌باشد (پگانی، دناتو، پریز، برتونی، ایفرات و شوبی[1]، ۲۰۱۹).

درک بالاتر زوجین از یکدیگر منجر به تفاهم و هماهنگی فکری بیشتری در زوجین برای برخورد با مسائل می‌شود. تفاهم و هماهنگی فکری زوجین میزان همسانی رفتارهای اجتماعی آنان با یکدیگر می‌باشد به گونه‌ای که در اکثر اوقات شرکا احساس رضایتمندی را از زندگی با یکدیگر داشته باشند (جاودان، ۲۰۱۴). به عبارتی تفاهم و هماهنگی فکری به عنوان ادغام زوجین در یک اتحاد می‌باشد، اگرچه این دو فرد از شخصیت و نگرش و ارزش‌های یکسانی برخوردار نیستند اما برای رسیدن به اهداف مشترک زندگی و رضایت متقابل با یکدیگر در تعامل هستند و به نوعی مکمل یکدیگر می‌باشند. تفاهم و هماهنگی فکری بالا به دلیل استفاده از هیجان‌های مثبت و بهزیستی زوجین منجر به افزایش رضایت زناشویی و مبنایی برای تشکیل خانواده پایدار و باثبات می‌شود (جاودان، سماوی و فرشاد، ۱۳۹۷). به دلیل اهمیت نقش زیر منظومه زوجین برای داشتن خانواده‌ای با عملکرد و کارآمدی بهتر، نیاز به رابطه‌ای با کیفیت زناشویی بالا احساس می‌شود. اهمیت کیفیت زناشویی برای زندگی زوجین آنقدر شفاف است که تبدیل به یکی از سازه‌های مهم در مطالعات زوج و خانواده‌درمانی گردیده است (کارنی و بردبری[2]، ۱۹۹۵؛ لیوایز و اسپاینر[3]، ۱۹۷۹؛ مارکس،[4]۱۹۸۹؛ بردبری، فینچام و بیچ[5]، ۲۰۰۰؛ هولمن[6]، ۲۰۰۲). نتایج پژوهش آزمایشی نشان داد که جاذبه‌های زناشویی عاملی تاثیرگذار بر ثبات و رضایت زناشویی است (سلیمی،۱۳۹۹). براساس نظریه مارکس (۱۹۸۹)؛ لیوایز و اسپاینر (۱۹۷۹) و لوینگر (۱۹۷۶) جاذبه‌های زناشویی منجر به افزایش کیفیت و ثبات زناشویی می‌شود. همچنین پژوهش پرویتی و آماتو[7] (۲۰۰۳)، نشان داد که جاذبه‌های زناشویی از مهمترین عوامل حفظ و ثبات زندگی زناشویی می‌باشند. هانسن[8] (۱۹۸۷)، دیویدسون[9] (۱۹۸۴) در پژوهش خود رابطه بین جاذبه‌های زناشویی با سازگاری زناشویی را تائید کردند. از آنجایی که تفاهم و هماهنگی فکری یکی از ابعاد سازگاری زناشویی می‌باشد می‌توان عنوان کرد که جاذبه‌های زناشویی می‌تواند تفاهم و هماهنگی فکری را پیش‌بینی نماید. همچنین، روسو، ناسبک، لوچتمن[10] و بودنمن،(۲۰۲۰)؛ فالکونیر، جکسون، هیلپرت [11]و بودنمن (۲۰۱۵)؛ رزاک، حسنی، زکریا و اسماعیل[12]، (۲۰۱۵)؛ فوئنف هاوزن و کاشول[13] (۲۰۱۳)، بودنمن و شانتیف[14] (۲۰۰۴)؛ خسروی‌علیا و فلاح چای (۱۳۹۶) و عیسی‌نژاد (۱۳۹۲)، در مطالعات خود مقابله زوجی را به عنوان عاملی معرفی می کنند که به طور قابل توجهی کیفیت زناشویی را بهبود می‌بخشد و سطح استرس را کاهش می‌دهد. همچنین نتایج پژوهش ودس[15]، هلیپرت، نوسبک، رندال، بودنمن و لیند[16] (۲۰۱۶)، نشان داد که بین دوست داشتن به عنوان یکی از ابعاد درون فردی جاذبه‌های زناشویی با مقابله زوجی و رضایت زناشویی به صورت مثبت رابطه وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش لندیس[17]، بودنمن، بردبری، براندستاتر، پیتر وایت، بکز و همکاران (۲۰۱۴) نشان داد که تعهد یک پیش شرط اساسی برای زوج‌های رضایتمند است و رفتارهای حفظ روابط مانند مقابله زوجی مثبت را تقویت می‌کند. بودنمن و شانتیف (۲۰۰۴) در پژوهش آزمایشی نشان دادند که ارتباط سازنده و مهارت های ارتباطی کارآمد و همچنین حمایت و ارتباط مناسب بر میزان مقابله زوجی و تقویت آن اثرگذاراست. از آنجایی که تعهد دوست داشتن محبت ارتباط سازنده و حمایت و ارتباط مناسب از مؤلفه‌های جاذبه‌های زناشویی می‌باشند بنابراین این احتمال وجود دارد که جاذبه‌های زناشویی عاملی برای تقویت و افزایش مقابله زوجی باشد. نتایج پژوهش جاودان، سماوی و فرشاد (۱۳۹۷) نشان داد که که

1.Pagani, Donato, Parise, Bertoni, Iafrate & Schoebi
2.Karney & Brudbury
3.lewis and Spanier
4.Marks
5.Fincham & Beach
6.Holman
7.Previti, & Amato
8.Davidson
9.Hansen
10.Rusu, Nussbeck, Leuchtmann
11.Jackson, Hilpert
12.Razak, Hoesni, Zakaria, & Ismail
13.Fuenfhausen,& Cashwell
14.Bodenmann, & Shantinath
15.Vedes
16.Lind
17.Landis

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-01-31]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.12.2.4]

تفاهم و هماهنگی فکری می‌تواند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کند. محققان دیگر نیز در پژوهش‌های خود وجود این ارتباط را تائید کرده‌اند (پاسبان، ۱۳۹۴؛ جاودان، ۲۰۱۴؛ گاتمن[1]، ۱۹۹۹).

با توجه به مطالب ذکر شده پژوهش‌های مختلف، ارتباط جاذبه‌های زناشویی و کیفیت زناشویی را مورد بررسی قرار داده‌اند اما هیچ پژوهشی نقش واسطه‌ای مقابله زوجی و تفاهم و هماهنگی فکری در ارتباط بین جاذبه‌های زناشویی و کیفیت زناشویی را مورد بررسی قرار نداده است. با توجه به اینکه بهبود کیفیت زناشویی زنان مشاور و به وجود آمدن احساس مثبت ناشی از آن می‌تواند به گونه‌ای هم در جهت خودشکوفایی مشاوران و هم در جهت هدایت مراجعان آنان موثر واقع شود. و از آنجایی که مطابق تئوری سرریز تاثیر مسائل زندگی زناشویی بر شغل و بالعکس، غیرقابل انکار است و این تاثیرات می‌تواند به صورت ناخودآگاه بر روند مشاوره و ارتباطات با مراجعین تاثیر بگذارند بنابراین لازم است که مشاوران خود از سلامت و کیفیت زناشویی مطلوبی برخوردار باشند تا از میزان تاثیرات منفی این عوامل بر مراجعان خود بکاهند. با توجه به اهمیت موضوع، تاکنون پژوهش‌های بسیار کمی در زمینه زندگی زناشویی و روابط زوجی مشاوران در ایران صورت گرفته است و عمده مطالعات انجام شده متمرکز بر حرفه مشاوره و موارد مربوط به آن بوده است از این رو پژوهشی در این رابطه لازم به نظر می‌رسید. بنابراین هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی مقابله زوجی و تفاهم و هماهنگی فکری در رابطه بین جاذبه‌های زناشویی و کیفیت زناشویی بود.

روش

روش پژوهش حاضر همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری شامل کلیه‌ی زنان متاهل مشاور که در سال ۱۴۰۰ در شهر اصفهان در حال فعالیت بوده‌اند، است. روش نمونه گیری در این پژوهش به صورت هدفمند بوده است. در مورد حجم نمونه در روش مدل‌یابی معادلات ساختاری دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است، اما به زعم بسیاری از پژوهشگران حداقل حجم نمونه لازم ۲۰۰ نفر می‌باشد (شریبر، ۲۰۰۶؛ به نقل از حبیبی و عدن‌ور، ۱۳۹۶). به همین جهت پرسشنامه‌های مربوطه بین ۲۲۰ نفر از زنان متاهل مشاور پخش گردید. به دلیل وضعیت همه‌گیری و شیوع ویروس کوید-۱۹ و پیشگیری از انتقال ویروس به افراد، پس کسب اجازه و جلب رضایت از جانب مدیر مسئول مراکز و تشریح اهداف پژوهش لینک حاوی پرسشنامه آنلاین از طریق گروه‌هایی که هر مرکز مشاوره در شبکه‌های مجازی تلگرام و واتساپ داشت، در بین مشاوران توزیع گردید، ملاک ورود به پژوهش شامل تأهل، دارا بودن مدرک کارشناسی ارشد به بالا و همچنین فعالیت به عنوان مشاور بود. علاوه براین ملاک خروج پژوهش شامل پرسشنامه‌های ناقص و مخدوش بود، در پژوهش حاضر از تعداد ۲۲۰ نفر نمونه‌گیری شد که با احتساب حذف داده‌های پرت و پاسخ‌دهی مبتنی بر شانس و احتمال، و نداشتن ملاک‌های ورود، تعداد ۲۰۷ نفر انتخاب شدند. در تمامی مراحل اجرای پژوهش سعی شد تا ملاحظات اخلاقی رعایت شود؛ به این صورت که قبل از اجرا ابتدا مجوزهای لازم اخذ شد و در مرحله اجرا سعی شد تا افراد براساس رضایت شخصی و با اطمینان از پنهان ماندن اطلاعات شخصی در پژوهش مشارکت کنند. درنهایت جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل معادلات ساختاری و نرم افزار آماری SPSS و AMOS، نسخه ۲۴ استفاده شد.

ابزار سنجش

مقیاس کیفیت زناشویی، فرم‌تجدیدنظرشده[2] (RDAS): مقیاس کیفیت زناشویی فرم تجدیدنظرشده توسط باسبی، کران، لارسن وکریستنسن[3] در سال ۱۹۹۵ساخته شده است که به منظور سنجش میزان کیفیت روابط زناشویی بکار می‌رود. این پرسشنامه از ۱۴ گویه و ۳ خرده مقیاس توافق، رضایت و انسجام تشکیل شده است که در مجموع نمره کیفیت زناشویی را نشان می‌دهند. نمره‌گذاری پرسشنامه بصورت طیف لیکرت ۶ نقطه‌ای از همیشه اختلاف داریم (۰) تا توافق دائم داریم (۵) می‌باشد. همبستگی پرسشنامه کیفیت زناشویی با پرسشنامه سازگاری زناشویی لاک والاس (۱۹۹۰)، ۰/۶۸ و با پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپاینر (۱۹۷۶)، ۰/۹۷ بود که نشان داد پرسشنامه از روایی خوبی برخوردار است. همچنین پایایی پرسشنامه به شیوه آلفاکرونباخ برای نمره کل ۰/۹۰ گزارش شده است (باسبی و همکاران، ۱۹۹۵). در پژوهش یوسفی (۱۳۹۰)، آلفای‌کرونباخ کلی پرسشنامه ۰/۹۲ و برای سه خرده مقیاس توافق، رضایت، انسجام به

1.Gottman
2.Revised Dyadic Adjustment Scale
3.Busby, Hollis, Cody, Miller

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-01-31]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.12.2.4]

ترتیب از ۰/۸۲، ۰/۸۳ و ۰/۸۷، گزارش شده ضرایب روایی همگرا کیفیت زناشویی با پرسشنامه رضایتمندی زناشویی، پرسشنامه ارزیابی همبستگی زوجین، مقیاس سازگاری توافق دونفری به ترتیب ۰/۳۹، ۰/۳۶ و ۰/۳۳ بدست آمد. در پژوهش حاضر میزان پایایی به روش آلفای‌کرونباخ ۰/۹۴ بدست آمد.

پرسشنامۀ جاذبه‌های زناشویی[1] (MAQ): پرسشنامه جاذبه‌های زناشویی توسط سلیمی، جاودان، زارعی و نجارپوریان (۱۳۹۹) ساخته شد. این پرسشنامه یک ابزار ۴۶ سوالی است که با هدف آزمون عوامل مؤثر بر ثبات و رضایت زناشویی بر اساس نظریه لوینگر (۱۹۷۶) و مک‌کی[2] (۲۰۰۳) تهیه شده است. نحوه‌ی نمره‌گذاری پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه ای ازکاملاً موافقم(۴) تا کاملاً مخالفم (صفر) طراحی شده است. جاذبه‌های زناشویی در این ابزار در سه عامل کلی، درون فردی، بین فردی و محیطی قرار گرفتند. عوامل درون‌فردی در برگیرنده مؤلفه‌هایی از جمله سلامت جسمی و روانی و ویژگی های شخصیتی- رفتاری مثبت بود. عوامل بین فردی شامل مؤلفه‌هایی همچون دوست داشتن و محبت، تعهد و اعتماد و ارتباط سازنده می‌شود و عوامل محیطی شامل حمایت و ارتباط مناسب با دیگران و اشتغال و مدیریت اقتصادی مناسب بود. سلیمی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود نشان دادند که آلفای‌کرونباخ کلی پرسشنامه ۰/۹۵ و در مؤلفه‌های بین‌فردی، درون‌فردی و محیطی به ترتیب دارای آلفا کرونباخ ۰/۹۶، ۰/۸۶ و ۰/۷۵ می‌باشد. همچنین همبستگی بین نمره کل جاذبه‌های زناشویی با پرسشنامه رضایت زناشویی چیونگ و هادسون (۱۹۸۲) ۰/۸۵- بود که این گویای آن است که پرسشنامه جاذبه‌های زناشویی از روایی ملاک بسیار خوبی برخوردار بوده است. در پژوهش حاضر میزان پایایی به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۶ بدست آمد.

پرسشنامۀ مقابله زوجی[3] (DCI): پرسشنامه مقابله‌زوجی یک ابزار ۳۷ آیتمی است که توسط بودنمن (۲۰۰۰) طراحی شد. این پرسشنامه دارای ۹ خرده مقیاس فرعی است که عبارتند از ابراز استرس توسط خود فرد، ابراز استرس توسط همسر ، مقابله‌زوجی حمایتی توسط خودشخص، مقابله‌زوجی حمایتی همسر، مقابله‌زوجی محول‌شده‌ی همسر، مقابله‌زوجی محول‌شده توسط خود شخص، مقابله‌زوجی منفی توسط خودشخص، مقابله‌زوجی منفی همسر، مقابله‌زوجی مشترک و شاخص دیگری تحت عنوان ارزشیابی مقابله‌ای زوجی وجود دارد؛ که ارزیابی کلی از پرسشنامه است ولی به عنوان یک خرده مقیاس در نظرگرفته نمی‌شود. دراین پرسشنامه همچنین یک نمره کلی بدست می‌آید که نمره کلی مقابله‌زوجی خوانده می‌شود. نحوه نمره‌گذاری بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از خیلی بندرت (۱) تا همیشه (۵) می‌باشد. نمره‌گذاری ماده‌های۷،۱۰،۱۱،۱۵،۲۲،۲۵،۲۶،۲۷ این پرسشنامه به صورت معکوس است. بودنمن (۲۰۰۶)، ضریب آلفای کرونباخ را برای کل مقیاس در نمونه مردان ۰/۹۲، و برای نمونه زنان ۰/۹۳، و برای خرده مقیاس‌های آن ها بین ۰/۷۳ و ۰/۹۲،گزارش نمود (بودنمن و همکاران، ۲۰۰۸). بودنمن (۲۰۰۸) در پژوهشی بر روی یک نمونه ۲۳۹۹نفر (زن ، تعداد = ۱۳۲۷، مرد ،تعداد = ۱۰۷۲) به بررسی ویژگی‌های روان سنجی نسخه‌های سوئیسی، آلمانی، ایتالیایی و فرانسوی این مقیاس پرداختند. نتایج نشان دادکه ضرایب پایایی این نسخه‌ها به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۸۸، و ۰/۹۱ و برای خرده مقیاس‌ها بین ۰/۷۱ تا ۰/۹۲ گزارش گردید. روایی همگراپرسشنامه با پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپاینر(۱۹۷۶)، در نمونه زنان ۰/۷۵ و در نمونه مردان ۰/۸۶ بدست آمد. این مقیاس توسط، فلاح‌چای، چهارتنگی، فلاحی و بودنمن (۲۰۱۷) در پژوهشی بر روی نمونه ۸۱۶ نفری از زنان و مردان متاهل به بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن پرداخته شد. نتایج نشان دادکه روایی محتوا برای همه‌ی اقلام۰/۹۰و بالاتر بوده است. ضریب پایایی برای کل مقیاس ۰/۸۴، برای خرده مقیاس مقابله زوجی حمایتی توسط فرد ۰/۷۳ و مقابله زوجی حمایتی ادراک شده ۰/۷۲ بدست آمد. همچنین همبستگی پرسشنامه با پرسشنامه سنجش رضایت از رابطه هندریک[4] (۱۹۹۸) در مقیاسهای تجمعی نمره کل مقابله زوجی توسط خود شخص ۰/۴۵، نمره کل مقابله‌زوجی توسط همسر ۰/۵۱، نمره کل مقابله زوجی مثبت ۰/۵۳ و مقابله زوجی منفی توسط خودشخص ۰/۲۵- و مقابله زوجی منفی همسر۰/۰۳۱- بدست آمد که نشان از روایی پرسشنامه مقابله زوجی می‌باشد. در پژوهش حاضر میزان پایایی به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۸ بدست آمد.

پرسشنامۀ تفاهم و هماهنگی فکری زوجین ایرانی[5](ICIMC): پرسشنامه تفاهم و هماهنگی فکری زوجین ایرانی یک ابزار ۳۰ سوالی است که توسط جاودان (۲۰۱۴)، به منظور بررسی عوامل مؤثر بر میزان تفاهم و هماهنگی فکری زوجین تدوین گردید. این پرسشنامه برروی زوجین ایرانی هنجاریابی شده است که دارای سه خرده‌مقیاس برآورده شدن انتظارات حاصل از ازدواج، مسائل عقیدتی

1.Marital Attractions Questionnaire
2.Mackay
3.Dyadic Coping Inventory
4 .Hendrick
5 .Iranian Couples Intellectual Mutuality and Coordination

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-01-31]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.12.2.4]

و فلسفه زندگی و مؤلفه ویژگی‌های شخصیتی می‌باشد. نمره‌گذاری پرسشنامه تفاهم و هماهنگی فکری بر اساس طیف لیکرت از ۱ تا ۵ نمره‌گذاری می‌شوند. در ماده‌های ۳،۴،۵،۷، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹،(۱= همیشه ۲ = بیشتر وقت‌ها، ۳= گاهی اوقات، ۴= بندرت، و ۵= هرگز) و در دیگر ماده‌ها (۱= هرگز، ۲=بندرت، ۳= گاهی اوقات، ۴= بیشتر وقت ها و ۵= همیشه) نمرات نمره‌گذاری می‌شود. پایایی کل پرسشنامه توسط جاودان (۲۰۱۴)، برروی ۱۷۶ زوج به روش آلفای کرونباخ۰/۹۴ برای برآورده شدن انتظارات حاصل از ازدواج ۰/۸۹، مسائل عقیدتی ۰/۷۸ ویژگی های شخصیتی ۰/۹۰ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۱ بدست آمد. همچنین در پژوهش جاودان و همکاران (۱۳۹۷) روایی همگرا پرسشنامه تفاهم و هماهنگی فکری با پرسشنامه رضایت زناشویی کانزاس ۰/۲۸ و با پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی۰/۲۲ بدست آمد.در پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۷ بدست آمد.

یافته ها

در این پژوهش از نظر سنی، ۱۴ نفر (۶/۸ درصد) بین ۲۵-۲۲ سال، ۳۹ نفر (۱۸/۸ درصد) بین ۳۰-۲۶ سال، ۷۰ نفر (۳۳/۸ درصد) بین ۳۴-۳۱ سال و ۸۴ نفر (۴۰/۶ درصد) ۳۵ سال به بالابودند. همچنین از نظر طول مدت ازدواج ۵۳ نفر (۲۵/۶ درصد) بین ۳-۱ سال، ۶۰ نفر (۲۹ درصد) بین ۶-۴ سال، ۴۹ نفر (۲۳/۷ درصد) بین ۱۰-۷ سال و ۴۵ نفر (۲۱/۷ درصد) ۱۰ سال به بالابود. جدول ۱ ماتریس همبستگی و مقادیر چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	چولگی	کشیدگی
۱. کیفیت زناشویی	۱				-۱/۸۳	۱/۶۲
۲. جاذبه‌های زناشویی	۰/۶۴۰**	۱			-۱/۲۵	۰/۸۹۶
۳. مقابله زوجی	۰/۶۱۷**	۰/۵۵۱**	۱		-۱/۱۵	۰/۰۹۸
۴. تفاهم و هماهنگی فکری	۰/۵۹۸**	۰/۴۹۲**	۰/۵۲۱**	۱	-۱/۲۷	۰/۵۸۶

p<۰/۰۵* ،p<۰/۰۱**

بر اساس نتایج جدول ۱، بین متغیرهای پژوهش همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد (p<۰/۰۱). به منظور بررسی نرمال بودن داده‌ها چولگی و کشیدگی داده ها مورد آزمون قرار گرفت. چنانچه چولگی بین ۳ و ۳- باشد و کشیدگی نیز بین ۷ و ۷- باشد داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار هستند. با توجه به اینکه مقدار چولگی و کشیدگی تمام متغیرها در محدوه های مذکور قرار می‌گیرند بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که متغیرهای تحقیق از توزیع نرمالی برخوردار هستند. در مدل‌یابی معادلات ساختاری، برای آن‌که داده‌های ورودی خام مورد تحلیل قرار بگیرند باید تمامی داده‌ها کامل و فاقد مقادیر گمشده باشند. در پژوهش حاضر تمامی داده‌های گمشده از نمونه خارج شدند. همچنین باید توزیع داده‌ها نرمال باشند و متغیرهای پژوهش نباید هم‌خطی داشته باشند. یکی از شیوه‌های بررسی عدم هم‌خطی شاخص‌های تورم و تحمل واریانس می‌باشد. در صورتی که مقدار تورم واریانس متغیر مستقل بیشتر از ۱۰ و یا تحمل واریانس آن کمتر از ۰/۱ باشد آن متغیر مستقل باید از مدل حذف شود، در پژوهش حاضر در تمامی متغیرها شرط عدم هم‌خطی چندگانه متغیرها رعایت شده است. بنابراین پژوهش حاضر پیش فرضهای سه گانه برای مدل‌یابی معادلات ساختاری رعایت شده است. شکل۱ مدل نهایی پژوهش حاضر را نشان می دهد.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-01-31]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.12.2.4]

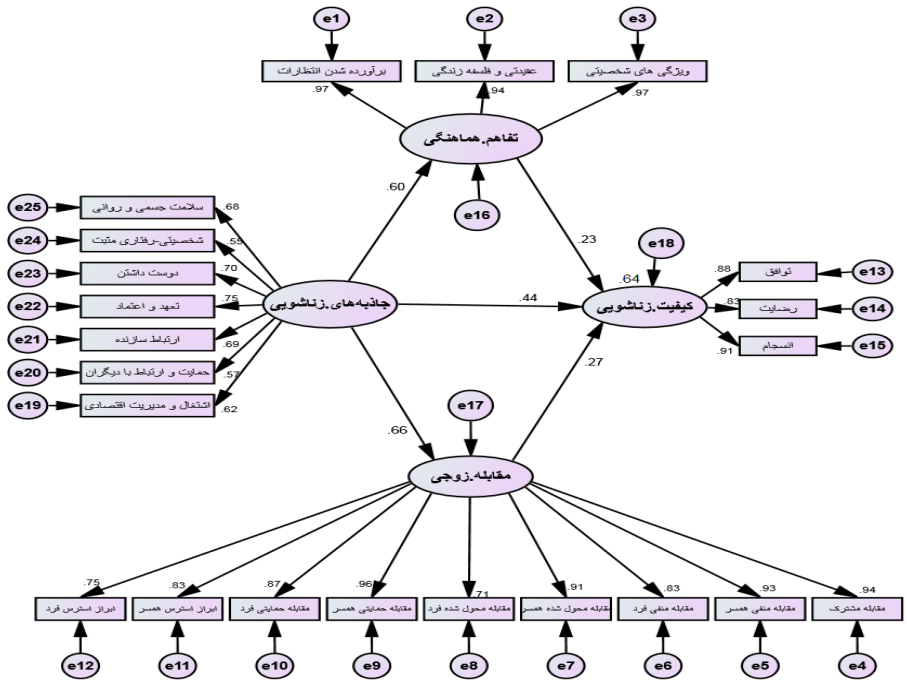

شکل۱. مدل نهایی پژوهش

برای بررسی رابطه علی بین متغیرهای مستقل (پیش بین) و وابسته و تایید کلی مدل از واریانس تبیین شده R^2 استفاده شده است. واریانس تبیین شده R^2 در مدل۱ برای متغیر وابسته کیفیت زناشویی با متغیرهای مستقل (پیش‌بین) جاذبه های زناشویی، تفاهم و هماهنگی فکری و مقابله‌زوجی برابر با ۶۴٪ می‌باشد و این نشان دهنده این مطلب است که ۶۴ درصد واریانس کیفیت زناشویی توسط سه متغیر جاذبه های زناشویی، تفاهم و هماهنگی فکری و مقابله زوجی تبیین می‌شود. در جدول ۲ مقدار ضریب استاندارد و مقدارt و سطح معناداری به دست آمده از متغیرهای تحقیق گزارش شده است. در رابطه با آزمون t چنانچه مقدار بحرانی بیشتر از ۱/۹۶ شود بدین معناست که رابطه بدست آمده در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ معنی‌دار است و با اطمینان ۹۵ درصد رابطه دو متغیر معنی‌دار است.

جدول۲. وزن‌های غیراستاندارد و استاندارد رگرسیونی رابطه‌های مستقیم در مدل و سطح معناداری

از سازه	به سازه	برآورد غیر استاندارد	برآورد استاندارد (بار عاملی)	خطای استاندارد	نسبت بحرانی (آزمون t)	سطح معناداری
جاذبه‌های زناشویی	کیفیت زناشویی	۰/۶۶۴	۰/۴۳۷	۰/۱۵۲	۴/۳۷۰	۰/۰۰۱
مقابله زوجی	کیفیت زناشویی	۰/۲۵۵	۰/۲۶۵	۰/۰۶۹	۳/۶۹۱	۰/۰۰۱
تفاهم و هماهنگی فکری	کیفیت زناشویی	۰/۱۲۱	۰/۲۳۵	۰/۰۳۴	۳/۵۵۸	۰/۰۰۱
جاذبه‌های زناشویی	مقابله زوجی	۱/۰۵۰	۰/۶۶۴	۰/۱۳۸	۷/۶۳۶	۰/۰۰۱
جاذبه‌های زناشویی	تفاهم و هماهنگی فکری	۱/۷۷۸	۰/۶۰۵	۰/۲۴۸	۷/۱۷۱	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که تمامی روابط در سطح خطای۰/۰۵ معنادار هستند به عبارت دیگر با اطمینان ۹۵ درصد بین متغیرها رابطه وجود دارد. در این پژوهش به منظور آزمون نقش میانجی‌گری مقابله زوجی و تفاهم و هماهنگی فکری از روش بوت استرپ (۲۰۰۰

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-01-31]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.12.2.4]

نمونه) با فاصله اطمینان ۹۵ درصد استفاده شد. میزان خطا برای آزمون بوت استرپ بایستی کمتر از ۰/۰۵ باشد. نتایج بدست آمده از روش بوت استرپ در جدول ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۳. نتایج روش بوت استرپ روابط غیر مستقیم در کل نمونه

شاخص مسیر	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد	سطح معناداری	حد پایین ضریب استاندارد	حد بالا ضریب استاندارد
جاذبه‌های زناشویی بر کیفیت زناشویی از طریق مقابله زوجی	۰/۱۷۸	۰/۴۸۴	۰/۰۲۴	۰/۱۲۸	۰/۷۴۰
جاذبه‌های زناشویی بر کیفیت زناشویی از طریق تفاهم و هماهنگی فکری	۰/۱۳۸	۰/۴۳۲	۰/۰۲۴	۰/۱۲۵	۰/۶۵۰
اثر کل	۰/۷۵۶	۱/۱۴۸	۰/۰۱	۰/۶۵۷	۰/۸۶۶

بر اساس نتایج حاصل از معادلات ساختاری، در متغیر ملاک کیفیت زناشویی، جاذبه‌های زناشویی با میزان ۰/۴۳۷، مقابله زوجی با میزان ۰/۲۶۵و تفاهم وهماهنگی فکری با میزان ۰/۲۳۵ می‌توانند به‌صورت معناداری کیفیت زناشویی را به‌صورت مستقیم پیش‌بینی نمایند. همچنین نتایج نشان داد جاذبه‌های زناشویی با میزان ۰/۶۶۴ می‌تواند مقابله زوجی را و با میزان ۰/۶۰۵ می‌تواند تفاهم و هماهنگی فکری را پیش‌بینی نماید همچنین نتایج جدول ۳، نشان می‌دهد متغیر جاذبه‌های زناشویی به واسطه مقابله زوجی قادر است ۱۷درصد از تغییرات کیفیت زناشویی را به طور مثبت در سطح معناداری $p<۰/۰۵$ تبیین نماید. همچنین جاذبه‌های زناشویی به واسطه تفاهم و هماهنگی فکری می‌تواند ۱۳درصد از تغییرات کیفیت زناشویی را به طور مثبت در سطح معناداری $p<۰/۰۵$ تبیین نماید. با توجه به این‌که فاصله اطمینان مورد نظر با توجه به حدود پایین و بالای ذکر شده، صفر را در بر نمی‌گیرد بنابراین هر دو رابطه غیرمستقیم در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ معنادار و این دو رابطه با صفر اختلاف معناداری دارند. مقادیر شاخص‌های نیکویی برازش برای مدل اصلاح شده در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. شاخص‌های مربوط به برازش مدل اصلاح شده

شاخص	x^2	P	x^2/ df	GFI	RMSEA	RFI
دامنه پذیرش	P>۰/۰۵		< ۳	>۰/۹	< ۰/۱	>۰/۹
نتیجه	۴۹۴/۰۲۰	۰/۰۰۱	۲/۴۲۲	۰/۸۰۷	۰/۰۸۳	۰/۸۷۸
شاخص	CFI	TLI	IFI	NFI	PNFI	PCFI
دامنه پذیرش	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۵	>۰/۵
نتیجه	۰/۹۳۴	۰/۹۲۵	۰/۹۳۴	۰/۸۹۳	۰/۷۸۸	۰/۸۲۵

شاخص‌های برازندگی تطبیقی (CFI) ، برازندگی هنجار شده (NFI) ، برازندگی نسبی (RFI) ، شاخص توکر-لوییس (TLI)، شاخص برازندگی فزاینده (IFI) و شاخص نیکویی برازش (GFI) هرچقدر بالاتر از ۰/۹۰ و نزدیک به یک باشند بیانگر برازش مطلوب الگو است. همچنین شاخص برازش تطبیقی مقتصد (PCFI) و شاخص برازش هنجار شده مقتصد (PNFI) بیشتر از ۰/۵۰ باشند مدل برازندگی خوبی دارد. هرچند برای بررسی نیکویی برازش معمولاً از شاخص مجذور خی ($CMIN= x^2$) استفاده می‌شود ولی مجذور خی با افزایش حجم نمونه و درجه آزادی ارتباط دارد. به همین خاطر هو و بنتلر[1] (۱۹۹۹) استفاده از شاخص برازندگی ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (REMSEA) را توصیه کرده‌اند. همچنین عنوان‌شده که اگر شاخص نسبت خی‌دو به درجه آزادی (CMIN/DF) کمتر از ۳ باشد می‌تواند نشان از برازش الگو باشد. به اعتقاد شرمله- انگل، موسبورگر و مولر[2](۲۰۰۳) مقادیر ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (REMSEA) بین صفر تا ۰/۰۵ بیانگر برازش عالی، ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ برازش خوب و بین ۰/۰۸ تا ۰/۱ بیانگر برازش قابل‌قبول است. بر اساس نتایج به دست آمده، شاخص‌های CFI، TLI، IFI، PCFI، PNFI، CMIN/DF و REMSEA نشان می‌دهد مدل از برازش بسیار خوبی برخوردار است. اما در دو شاخص NFI و RFI مدل از برازش مطلوبی برخوردار نیست.

1. Hu &Bentler
2 .Schermelleh-Engel, Moosbrugger& Müller

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-01-31]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.12.2.4]

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی مقابله زوجی و تفاهم و هماهنگی فکری در رابطه بین جاذبه‌های زناشویی و کیفیت زناشویی بود. نتایج پژوهش فرضیات پژوهش را تائید کرد به صورتی که مقابله زوجی و تفاهم و هماهنگی فکری می‌توانستند در رابطه بین جاذبه‌های زناشویی و کیفیت زناشویی نقش واسطه‌ای را داشته باشند.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که جاذبه‌های زناشویی می‌تواند کیفیت زناشویی را پیش‌بینی نماید. یافته‌های بدست آمده با نتایج مطالعات پیشین از جمله سلیمی (۱۳۹۹)؛ پرویتی و آماتو (۲۰۰۳)؛ مارکس (۱۹۸۹)؛ لیوایز و اسپاینر (۱۹۷۹)؛ لوینگر (۱۹۷۶)؛ همسو می‌باشد. در نظریه مبادله‌اجتماعی جاذبه‌های زناشویی به عنوان پاداش‌های رابطه‌ای هستند که میزان رضایت زوجین را از رابطه مشخص می‌کنند، به عبارتی میزان رضایت افراد از رابطه زناشویی بسته به میزان پاداش‌هایی است که افراد از رابطه خود دریافت می‌کنند هر آنچه پاداش‌های برآورد شده در رابطه بیشتر باشد میزان رضایت زناشویی بالاتر رفته و کیفیت زناشویی افزایش پیدا می‌کند؛ همانگونه که لوینگر(۱۹۷۶) نیز از جاذبه‌ها به عنوان عواملی یاد می‌کند که در خدمت افزایش تعهد به رابطه هستند و در صورت نبود آن رابطه به ورطه انحلال و نابودی کشیده می‌شود. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان عنوان کرد؛ ازآنجائیکه کیفیت زناشویی به ارزیابی ذهنی شخص در مورد کیفیت ازدواج و رابطه فرد اشاره دارد، اینکه چه میزان افراد رابطه خود را مثبت یا منفی ارزیابی می‌کنند، مسلماً مبتنی بر یکسری از عواملی است که بسته به حضور یا عدم حضور این عوامل کیفیت زناشویی مثبت یا منفی و در سطح بالا یا پایین ارزیابی می‌شود. درواقع میزان ارزیابی ذهنی زنان متاهل مشاور از جاذبه‌های زناشویی تعیین‌کننده میزان کیفیت زناشویی آنان بوده است زمانی که پاداش‌های حاصل از روابط مطابق انتظار افراد باشند، منجر به ادراک ذهنی مثبت نسبت به رابطه می‌گردد و در نهایت به بالا رفتن سطح کیفیت زناشویی کمک می‌کند. مسرت بخش بودن این امر می‌تواند ناشی از آن باشد که انسان از بدو تولد عادت دارد به عنوان یک دریافت کننده در جایی سرمایه‌گذاری کند که بتواند سود بیشتری را دریافت نماید و هزینه‌ی کمتری را متقبل شود مسلماً تمامی افراد مایل هستند تا در زندگی زناشویی خود سطح بالایی از عناصر مثبت را دریافت نمایندکه احساس رضایت و خشنودی را درآنان متبلور می‌کند، به دنبال این احساس، بهزیستی روانی و ذهنی افراد محقق می‌شود. در مقابل برآورده نشدن سود حاصل از رابطه و افزایش هزینه‌ها احساس نارضایتی از رابطه شکل می‌گیرد و فرد را به سمت عوامل بیرونی رابطه که از آنها به عنوان جاذبه‌های جایگزین یاد می‌شود سوق می‌دهند. جذب شدن افراد به سمت جاذبه‌های جایگزین، کاهش کیفیت زناشویی، عدم تعهد و بی ثباتی زندگی زناشویی را رقم می‌زند. بنابراین می‌توان اظهار داشت که جاذبه‌های زناشویی می‌تواند کیفیت زناشویی را پیش‌بینی نماید.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که مقابله زوجی می‌تواند در رابطه بین جاذبه‌های زناشویی و کیفیت زناشویی نقش میانجی را داشته باشد. این یافته‌ها با یافته‌های روسو، و همکاران (۲۰۲۰)؛ ودس و همکاران (۲۰۱۶)؛ رزاک و همکاران (۲۰۱۵)؛ فالکونیر و همکاران (۲۰۱۵)؛ لندیس و همکاران (۲۰۱۴)؛ فوئنف هاوزن و کاشول (۲۰۱۳)؛ بودنمن و شانتیف (۲۰۰۴) و لیوایز و اسپاینر (۱۹۷۹)؛ لوینگر (۱۹۷۶)؛ خسروی‌علیا و فلاح‌چای (۱۳۹۶) و عیسی‌نژاد (۱۳۹۲) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می توان گفت که در واقع جاذبه‌های زناشویی با افزایش مقابله زوجی موجب افزایش کیفیت زناشویی می‌گردد. این یافته‌ها را می‌توان در رابطه با مدل سیستمی- تعاملاتی بودنمن (۱۹۹۵)، تبیین کرد. مدل سیستمی- تعاملاتی بودنمن بر وابستگی متقابل بین شرکا تأکید دارد، به این معنا که استرس یکی از شرکا همیشه بر شریک دیگر تأثیر می‌گذارد، و همچنین منابع یک شریک باعث گسترش منابع شریک دیگر می‌شود و منجربه همکاری‌های جدید در بین آنها می‌گردد (فالکونیر و همکاران، ۲۰۱۶). این مدل بر استرس شرکا به عنوان استرس زوجی و منابع شرکا برای مقابله با استرس به عنوان مقابله زوجی تأکید دارد (روسو و همکاران،۲۰۲۰). در نتیجه زوجین برای مقابله با موقعیت‌های تنش‌زا و کاربست مقابله زوجی نیازمند منابعی هستند که منجر به شکل‌گیری و تقویت مقابله‌زوجی شود. یکی از پایه‌های زیر بنایی این مدل، نظریه مبادله‌ی‌اجتماعی است که براساس آن زمانی مقابله زوجی شکل می‌گیرد که هر دو زوج به صورت مشترک برای مواجه با موقعیت‌های تنش‌زا تلاش کنند و منابع موجود در رابطه همچون ارتباط سازنده، دوست داشتن و محبت، تعهدو اعتماد و روابط صمیمانه و حمایت اجتماعی و ویژگی‌های رفتاری مناسب را برای مقابله با استرس کارگیرند (بودنمن و شانتیف، ۲۰۰۴)، این منابع در نظریه مبادله اجتماعی به عنوان جاذبه‌های زناشویی شناخته می‌شوند. در واقع حضور جاذبه‌های زناشویی به عنوان منابع مثبت در رابطه منجر به افزایش مقابله‌زوجی می‌گردد. استرس با رفتارهای ارتباطی مثبت بین شرکا به عنوان مثال نشان دادن علاقه، مراقبت و محبت کاهش می‌یابد و شرکا می‌توانند با درگیر شدن در مقابله زوجی مثبت، به کاهش اثرات مضر استرس به یکدیگر کمک کنند (بودنمن و رندال، ۲۰۲۰). به

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-01-31]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.12.2.4]

طور مکرر مشخص شده است که مقابله زوجی با عملکرد رابطه و رفاه روانی و جسمی فردی شرکا مرتبط است و می‌تواند رابطه را از اثرات منفی رویدادهای استرس‌زا محافظت کند و منجر به بهبود کیفیت زناشویی گردد (روسو، ناسبک، لوچتمن[1] و بودنمن،۲۰۲۰). با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت جاذبه‌های زناشویی به عنوان منابع مثبت رابطه در زندگی زناشویی زنان مشاور منجر به تقویت و شکل‌گیری مقابله زوجی می‌شود. درواقع در روابطی که جاذبه‌های زناشویی حضور دارند سطح به کارگیری مقابله‌زوجی بالاتر می‌باشد و در نتیجه به کارگیری مقابله زوجی، دربین زوجین وابستگی متقابل شکل گرفته و منجر به ایجاد احساس ما دربین آنها می‌گردد که خود منجر به بهبود کیفیت رابطه زناشویی می‌گردد.

نتایج پژوهش نشان داد که تفاهم و هماهنگی فکری می‌تواند در رابطه بین جاذبه‌های زناشویی و کیفیت زناشویی نقش میانجی را داشته باشد. این یافته‌ها با یافته‌های جاودان و همکاران (۱۳۹۷)، جاودان (۲۰۱۴)؛ پاسبان (۱۳۹۴)، گاتمن (۱۹۹۹)، هانسن (۱۹۸۷)، دیویدسون (۱۹۸۴)، رازبولت (۱۹۸۰) همسو می‌باشد. رازبولت (۱۹۸۰) در نظریه خود به نقش پاداش‌های رابطه به عنوان جذابیت‌های متقابل که بر میزان تفاهم بین زوجین نقش دارند؛ تاکید کرده است. وی عنوان کرد که پاداش‌ها به جنبه‌های روانی و زیستی اشاره دارد، که در جنبه‌های زیستی آن، به محلی برای زندگی و میزان درآمد و منابع مالی اقتصادی تاکید می‌شود و در جنبه‌های روانی با رفتارهای تشویق‌کننده دیگران، عشق، محبت دوست داشتن، تعهد و غیره ارتباط دارد که هر کدام یک از این عوامل در تفاهم زناشویی موثر هستند. مطابق با الگوی تایبات و کلی[2] (۱۹۹۵) میزان تفاهم و هماهنگی زوجین در دستیابی به اهداف به میزان ارزیابی آنان از پاداش‌های رابطه و سطح انتظارات آنان بستگی دارد، درنتیجه می‌توان از جاذبه‌های زناشویی به عنوان انگیزه‌ای برای دستیابی به اهداف مشترک نام برد، درواقع زمانی که جاذبه‌های زناشویی حاصل از مشارکت در یک رابطه بیشتر باشد سطح تعارضات ناشی از برآورده نشدن انتظارات کاهش می‌یابد و زوجین تمایل بیشتری برای ماندن در یک رابطه دارند و متعهد می‌شوند که در برخورد با مسائل متنوعی که ممکن است در زندگی با آن مواجه شوند به صورت مشترک عمل کنند. براساس یافته‌های پژوهش جاذبه‌های زناشویی منجر به ارتقا تفاهم و هماهنگی فکری می‌شود. همانند ارتباط سازنده؛ زمانی که زوجین با یکدیگر به خوبی ارتباط برقرار کنند و بتوانند پیام‌های خود را به صورت روشن و واضح ارسال نمایند، به یکدیگر اعتماد داشته و متعهد به حفظ رابطه در مواقع سخت و طاقت فرسای زندگی باشند، نیاز یکدیگر به ارتباط با دیگران را محترم شمارند و از حمایت دیگران به صورت مطلوب بهره‌گیرند و از مداخلات نامناسب دیگران در درون مرزهای زوجی خویش جلوگیری نمایند، همچنین از ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری مثبت جهت برخورد با شریک و همچنین برخورد با دیگر افراد درگیر در رابطه همچون فرزندان استفاده نمایند؛ به نوعی تمامی این عوامل به عنوان جاذبه‌های زناشویی عاملی جهت افزایش تفاهم و هماهنگی فکری زوجین در برخورد با مسائل گوناگون می‌گردد توافق و همکاری به کارگرفته شده در حل تعارضات و برخورد با مسائل گوناگون و دستیابی به یک توافق جامع منجر به افزایش خشنودی و رضایت در زوجین می‌گردد. افرادی که از تفاهم و هماهنگی بالاتری برخوردارند به دنبال ارتقا زندگی زناشویی خود و تشکیل یک رابطه مستحکم و خوب هستند. بنابراین زنان مشاوری که در روابط خود جاذبه‌های زناشویی بالایی دارند، از تفاهم و هماهنگی فکری بیشتری برخوردارند و در نتیجه افزایش تفاهم و هماهنگی فکری بالا، کیفیت زناشویی نیز بیشتر می‌شود.

به طور کلی نتایج این پژوهش نشان داد که جاذبه‌های زناشویی در بین زنان مشاور می‌تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم و از طریق افزایش مقابله زوجی و ایجاد تفاهم و هماهنگی فکری کیفیت زناشویی را افزایش دهد. نتایج دیگر این پژوهش حاکی از روابط معنادار مقابله زوجی و تفاهم و هماهنگی فکری با افزایش کیفیت زناشویی بود. به طور کلی نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که جاذبه‌های زناشویی قدرت زیادی درغنی‌بخشی روابط زناشویی دارد.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر که تعمیم نتایج حاصله را با محدودیت مواجه می‌کند، آن است که نمونه‌گیری به روش هدفمند بوده و به دلیل شرایط ویژه همه‌گیری کرونا، تکمیل پرسشنامه‌ها به صورت غیرحضوری انجام شده است؛ بنابراین پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آینده پژوهشگران از روش نمونه‌گیری تصادفی بهره‌گیرند و همچنین ابزار پژوهش به صورت مستقیم و حضوراً در اختیار نمونه مورد پژوهش قرار گیرد. براساس یافته‌های پژوهش با توجه به نقش جاذبه‌های زناشویی، مقابله زوجی و تفاهم و هماهنگی فکری در پیش‌بینی کیفیت زناشویی پیشنهاد می‌شود؛ بیشتر به نقش این سازه‌ها برای بهبود کیفیت زناشویی، حل مسائل و مشکلات ارتباطی تاکید

1.Rusu, Nussbeck, Leuchtmann
2.Thibaut and Kelley

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-01-31]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.12.2.4]

شود. در نتیجه مدل نظری برآمده از پژوهش می‌تواند در سرفصل‌های کارگاهی و آموزشی مربوط به غنی‌سازی خانواده، ازدواج و رفتارهای مولد کیفیت و رضایت زناشویی در مراکز مربوطه و همچنین مراکز بهزیستی و فرهنگ‌سراها گنجانده شود.

منابع

پاسبان، ف. (۱۳۹۴). *رابطه رضایت جنسی، خودکارآمدی جنسی و رضایت از زندگی زناشویی با میزان تفاهم و هماهنگی فکری زوج‌های جوان شهرستان لارستان*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان.

جاودان، م.، سماوی، ع.، و فرشاد، م. (۱۳۹۷). همبستگی تفاهم زوجین دارای تعارض با رضایت زناشویی و نقش میانجی کیفیت زندگی. *نشریه مدیریت ارتقای سلامت، ۷(۵)*، ۵۴-۶۲.

حبیبی،آ.؛ عدن ور، م. (۱۳۹۶). *آموزش مدل معادلات ساختاری و تحلیل عاملی با نرم افزار LISREL*، انتشارات جهاد دانشگاهی.

خسروی علیا، ط.؛ فلاح چای، ر. (۱۳۹۶). بررسی رابطه‌ی مقابله زوجی وکیفیت زناشویی در زنان متاهل مبتلا به سرطان پستان در شهرشیراز، *فصلنامه‌ی بیماری‌های پستان ایران، ۱۰(۴)*،۶۷-۵۹.

سلیمی، ه. (۱۳۹۹). *تدوین مدل جاذبه‌های زناشویی و بررسی اثر این آموزش بر روی جاذبه‌های زناشویی وآینده نگری*. پایان نامه دکتری، دانشکده انسانی، دانشگاه هرمزگان.

سلیمی، ه.، جاودان، م.، زارعی، ا.، و نجارپوریان، س. (۱۳۹۹). ساخت و اعتبار یابی پرسشنامه جاذبه‌های زناشویی. *رویش‌روان‌شناسی، ۹(۸)*، ۳۱-۴۲.

عیسی‌نژاد، ا. (۱۳۹۲). *تدوین مدل بومی آموزش راهبردهای مقابله‌ای زناشویی و بررسی اثربخشی آن بر کیفیت روابط زناشویی، راهبردهای مقابله‌ای زناشویی و استرس در زنان دارای سرطان سینه و همسران آنها در مقایسه با آموزش ارتقای روابط زوجین و آموزش زوجین به شیوه شناختی رفتاری*. پایان نامه دکتری، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه اصفهان.

موسوی، ف. (۱۳۹۶). ابعاد کیفیت زناشویی: پیش بینی کننده های مولفه های تعامل و شیوه های حل تعارض زناشویی. *دو فصلنامه مشاوره کاربردی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ۷(۱)*، ۸۱-۱۰۰.

یوسفی، ن. (۱۳۹۰). بررسی شاخص های روان سنجی مقیاس کیفیت زناشویی، فرم تجدیدنظرشده (RDAS). *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره،۱(۲)*، ۱۸۳-۲۰۰.

Allendorf, K., & Ghimire, D. J. (2013). Determinants of marital quality in an arranged marriage society. *Social Science Research, 42(1)*, 59–70. doi:10.1016/j.ssresearch.2012.09.002

Bodenmann, G. & Shantinath, S. D. (2004). The couples coping enhancement training (CCET): A new approach to prevention of marital distress based upon stress and coping. *Family Relations, 53(5)*, 477-484. https://doi.org/10.1111/j.0197-6664.2004.00056.x

Bodenmann, G. (2000). Stress und coping bei Paaren [stress and coping in couples]. *Göttingen: Hogrefe.*

Bodenmann, G. (2008). Dyadisches Coping Inventar: Testmanual [dyadic coping inventory: Test manual]. *Bern: Huber*

Bradbury, T. N., Fincham, F. D., & Beach, S. R. H. (2000). Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. *Journal of Marriage and the Family, 62(4)*, 964–980. https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2000.00964.x

Busby. D. M., Crane. D. R., Larson. J. H., & Christensen. C. (1995). A revision of the dyadic adjustment scale for use with distressed and nondistressed couples: Construct hierarchy and multidimensional scale. *Journal of Marital and family therapy, 21*, 289-308.

Davidson, B. (1984). A test of equity theory for marital adjustment. *social psychology quarterly, 47(1)*, 36–42. https://doi.org/10.2307/3033886

Falconier, M. K., Jackson, J., Hilpert, J., & Bodenmann, G. (2015). Dyadic coping and relationship satisfaction: A meta-analysis.*Clinical Psychology Review,42*,28-46. http://doi:10.1016/j.cpr.2015.07.002

Falconier, M. K., Kim, J., & Conway, C. A. (2018). *Together: A couple's model to enhance relationships and economic stability*. In A. Bertoni, S. Donato, & S. Molgora (Eds.), When "we" are stressed: A dyadic approach to coping with stressful events (pp. 183–203). Nova Science Publishers.

Falconier, M. K., Randall, A. K. , & Bodenmann, G. (2016). *Couples coping with stress: A cross- cultural perspective*. New York.

Fallahchai, R., Fallahi, M., Chahartangi, S Bodenmann, G.(2017).Psychometric properties and factorial validity of the dyadic coping inventory –the persian version. *Curr Psychol. 38*, 486–496. https://doi.org/10.1007/s12144-017-9624-6

Fuenfhausen, K. K., & Cashwell, C. S. (2013). Attachment, stress, dyadic coping, and marital satisfaction of counseling graduate students. *The Family Journal, 21(4)*, 364–370. doi:10.1177/1066480713488523

Goldfarb, M. R., & Trudel, G. (2019). Marital quality and depression: a review. *Marriage & Family Review*, 1–27. doi:10.1080/01494929.2019.1610136

Gottman, J. M. (1999). *The marriage clinic*. New York: Norton.

Hansen, G. L. (1987). Reward level and marital adjustment: The effect of weighting rewards. *The Journal of Social Psychology, 127(5)*, 549–551. doi:10.1080/00224545.1987.9713743

Holman, T, B,. (2002). *Premarital prediction of marital quality or breakup*. Longitudinal Research in the Social and Behavioral Sciences: An Interdisciplinary Series. doi:10.1007/b107947

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-01-31]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.12.2.4]

Hu, L. T., &Bentler, P. M. (1999). Cutoff criteria for fit indexes in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives. Structural equation modeling, *a multidisciplinary journal, 6(1),* 1-55.

Javdan, M. (2014). Preparation scale for measuring intellectual understanding in matrimony life. *J. Life Sci. Biomed. 4(3),*204-207.

Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (1995). The longitudinal course of marital quality and stability: A review of theory, methods, and research. *Psychological Bulletin, 118(1),* 3–34.

Landis, M., Bodenmann, G., Bradbury, T. N., Brandstätter, V., Peter-Wight, M., Backes, S., Sutter-Stickel, D., & Nussbeck, F. W. (2014). Commitment and dyadic coping in long-term relationships. GeroPsych: *The Journal of Gerontopsychology and Geriatric Psychiatry, 27(4),* 139–149. https://doi.org/10.1024/1662-9647/a000112

Lawrence, E.M., Rogers, R.G., Zajacova, A. et al. (2019). Marital happiness, marital status, health, and longevity. *J Happiness Stud 20,* 1539–1561.https://doi.org/10.1007/s10902-018-0009-9

Levinger, G. (1976). A social psychological perspective on marital dissolution. *Journal of Social Issues, 32(1),* 21-47.

Markes .S. R .(1989). Toward a systems theory of marital quality author(s): Stephen R. Marks Source: *Journal of Marriage and Family, 51(1),* 15-26

Miller C, M. , Jackson, B, J. , & Landers L, A. (2020). Married to a Marriage Therapist: An Insider Perspective. *The American Journal Of Family Therapy, 48(5).,* 385-404. https://doi.org/10.1080/01926187.2020.1750074

Ntoimo L.F.C., Odimegwu C.O. (2020) .Theoretical perspectives on family research. In: Odimegwu C. (eds) Family Demography and Post-2015 Development Agenda in Africa. *Springer, Cham.* https://doi.org/10.1007/978-3-030-14887-4_4

Pagani, A. F., Donato, S., Parise, M., Bertoni, A., Iafrate, R., & Schoebi, D. (2019). Explicit stress communication facilitates perceived responsiveness in dyadic coping. *Frontiers in Psychology, 10*. doi:10.3389/fpsyg.2019.00401

Previti, D., & Amato, P. R. (2003). Why stay married? Rewards, barriers, and marital stability. *Journal of Marriage and Family, 65(3),* 561–573. doi:10.1111/j.1741-3737.2003.00561.x

Razak, S. N. F. A., Hoesni, S. M., Zakaria, E., & Ismail, R. (2015). The role of dyadic coping to marital quality – The conceptual paper. *Procedia - Social and Behavioral Sciences, 211,* 911–916. doi:10.1016/j.sbspro.2015.11.120

Rusbult, C. E. (1980). Commitment and satisfaction in romantic associations: A test of the investment model. *Journal of Experimental Social Psychology, 16(2),* 172–186. https://doi.org/10.1016/0022-1031(80)90007-4

Rusu, P. P., Nussbeck, F. W., Leuchtmann, L., & Bodenmann, G. (2020). Stress, dyadic coping, and relationship satisfaction: A longitudinal study disentangling timely stable from yearly fluctuations. *PLOS ONE, 15(4),* e0231133. doi:10.1371/journal.pone.0231133

Schermelleh-Engel, K., Moosbrugger, H., & Müller, H. (2003). Evaluating the fit of structural equation models: Tests of significance and descriptive goodness-of-fit measures. *Methods of Psychological Research Online, 8 (2),* 23-74

Spanier, G. B., & Lewis, R. A. (1980). Marital quality: A review of the Seventies. *Journal of Marriage and the Family, 42(4),* 825. doi:10.2307/351827

Stivers, C. L. (2013). *Dual therapist marriages: An autoethnography of marital experiences of systemically trained couples* [Doctoral dissertation]. Retrieved from ProQuest. (3578813)

Thibaut, J. W., & Kelley, H. H. (1959). *The social psychology of groups.* John Wiley.

Vedes, A., Hilpert, P., Nussbeck, F. W., Randall, A. K., Bodenmann, G., & Lind, W. R. (2016). Love styles, coping, and relationship satisfaction: A dyadic approach. *Personal Relationships, 23(1),* 84–97. https://doi.org/10.1111/pere.12112

Wagner M. (2020). On increasing divorce risks. in: Mortelmans D. (eds) Divorce in Europe. *European Studies of Population, 21. Springer, Cham.* https://doi.org/10.1007/978-3-030-25838-2_3

Wang, S., Kim, K., & Stokes, J. E. (2020). Dyadic profiles of personality among older couples: Associations with marital quality. *Journal of Social and Personal Relationships,* 0265407520916246. doi:10.1177/0265407520916246

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-01-31]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.12.2.4]